

شعار «الحمد لله» در کنار شعار «الله اکبر»

احمدعلتایان ادرادامه بررسی سوره کوتاه نصر به آیه آخرین سوره می‌رسم که خداوند متعال می‌فرماید: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» پس، پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش، تسبیح گو و از او آمرزش بخواه که او همواره توبه‌پذیر است.»

این آیه در کنار دو آیه قبلی به پیامبر^(ص) و مؤمنان یادآوری می‌کند که هنگام بهره‌مندی از باری الهی و رسیدن به پیروزی در جنگ‌ها و حوادث، باید به تسبیح پروردگار پرداخت و نباید از یاد خداوند و شکر نعمت پیروزی غافل شد.

نکته‌ای که حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در تفسیر نور به آن اشاره می‌کند، این است که قرآن کریم به تسبیح خداوند، بیش از تکبیر و تحمید، سفارش کرده و واژه تسبیح در قرآن، بیش از واژه‌های تکبیر و تحمید آمده است؛ همان‌طور که در حدیث می‌خوانیم: هنگام فتح مکه (که این سوره نازل شد) پیامبر اکرم^(ص) ابتدا وارد مسجدالحرام شدند و نماز گزار شدند. از این نکته می‌توان برای تجمعات شبانه این ایام استفاده کرد که در کنار تکبیر و شعار «الله اکبر»، خوب است با خلق شعارهایی، به شکر و تسبیح خداوند نیز پرداخته شود تا به این آیه قرآن عمل کنیم و بعد از کسب پیروزی درمقابل استکبار جهانی، از یاد خداوند غافل نشویم.

در این آیه، توصیه به استغفار نیز در کنار تسبیح و شکر خداوند آمده است که یا برای نورانیت بیشتر قلب است، یا برای زدودن غرور پیروزی، یا برای آمرزش گناهان و یا به خاطر کسب معرفت نسبت به خداوند منان.

مشاوره

همسر م راضی نمی‌شود بچه‌دار شویم

عدالتیان یکی از مسائلی که گاهی افراد برای آن به مشاور مراجعه می‌کنند، راهنمایی درباره این موضوع است که چگونه می‌شود همسر را برای بچه‌دار شدن راضی کرد. در هر خانواده و میان هر زوج، ممکن است پیش بیاید که یکی از مرد یا زن، بچه بخواهد و دیگری به هر دلیلی، راضی به این امر نباشد. این امر در شرایط امروز جامعه و باتوجه به مشکلات اقتصادی، از جانب مردهای خانواده بیشتر دیده می‌شود و آن‌ها به دنبال راهکاری هستند که توصیه اسلام و بزرگان دین برای زیاد شدن نسل را با شرایط اقتصادی و مشکلات دیگر، پیوند بزنند.

از نظر شرع مقدس اسلام، جلوگیری از بارداری باید با رضایت طرفین باشد و زن یا مرد نمی‌تواند دیگری را مجبور به جلوگیری کند اما از اینکه بگذریم، مروری بر سخن بزرگان دین، می‌تواند دلگرمی برای آینده ایجاد کند. اولین دلگرمی، سخن خود خداوند است که در آیه ۱۵۱ سوره انعام می‌فرماید: ما به شما و فرزندان‌تان روزی می‌دهیم، وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِبِلَاقٍ تَعْنِ تَرْزُقُهُمْ وَإِذَا هُمْ، فرزندان‌تان را از [ترس] نکندستی نکشید؛ ما شما و آنان را روزی می‌دهیم.»

دومین دلگرمی، این است که از پیامبر گرامی اسلام^(ص) نقل شده است که فرمودند: «فرزند بخواهید که نور چشم و ریحانه دل است.»

سومین دلگرمی، این است که روزی فردی در نامه‌ای به امام هادی^(ع) این‌طور نوشت: «من ۵ سال است که از بچه‌دار شدن خودداری کرده‌ام؛ چون همسر فرزند نمی‌خواهد.» حضرت در جواب نامه فرمودند: «بچه بخواه که خداوند به او روزی می‌دهد.»

سیره بزرگان

اخلاص مرد خستگی‌ناپذیر



محمدجواد علیپورا «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ؛ از مؤمنان، مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند، وفا کردند؛ بعضی بر سر پیمان خویش جان باختند و بعضی، چشم‌به‌راهند و هرگز پیمان خود را دگرگون نکرده‌اند.»

شهید سیدابراهیم رئیسی را نه در هیاهوی شعارهای سیاسی، بلکه در سکوت و خلوص سفرهای استانی باید جست. او پیش و بیش از آنکه یک رئیس جمهور باشد، یک «خادم» بود؛ عنوانی که خود برگزید و رزهایت، مُهر شهادت بر آن زد. سیره او، تبلور عینی فرهنگ دینی و مدیریت جهادی و مردم‌داری بود که فاصله میان حاکمیت و مردم را به کمترین حد رساند. برجسته‌ترین ویژگی شهید رئیسی، روحیه خستگی‌ناپذیری او بود. در طول دهه تلاش بود. سفرهای بی‌تکلف و بدون تشریفات زائد به دور افتاده‌ترین نقاط کشور، تنها یک حرکت نمایشی نبود؛ او با حضور در میان مردمی که سال‌ها طعم دیده شدن را نچشیده بودند، به آنان کرامت بخشید. از خوزستان تا سیستان، از کوه‌دشت تا آذربایجان، پای در درد دل مردم نشست و «شنیدن» را به جای «سخنرانی یک‌طرفه» نشاند. این شنیدن، گاه به گشایش گره‌های چندین‌ساله می‌انجامید و احیای کارخانه‌های تعطیل‌شده و طرح‌های بر زمین مانده را رقم می‌زد.

در بعد شخصیتی، «طلبگی و زیست ساده»، شالوده رفتار او بود. برخلاف تجملات مرسوم قدرت، خانه‌ور زندگی‌اش رنگ و بوی همان سادگی دوران تولیت‌استان قدس رضوی را داشت. اواهل عافیت طلبی نبود؛ در بحر آن‌ها، میدان را ترک نمی‌کرد. در سیل و زلزله، پیش از آنکه ستادهای بحران بخواهند تشکیل جلسه دهند، او در میدان حاضر بود و این «حضور میدانی»، گفت‌وگو حکمرانی را تغییر داد. شفافیت در کلام و صراحت در بیان، از دیگر خصایص او بود؛ هرگز وعده بی‌پشتوانه نداد و صادقانه با مردم از دشواری‌ها گفت.

سیره شهید رئیسی، تلفیق ایمان عمیق با عقلانیت انقلابی بود. او به عنوان یک روحانی، مرزهای خشک اداری را شکست و نشان داد که با تکیه بر نیروی درون و اعتماد به ظرفیت‌های داخلی، می‌توان گام‌های بلندی برای حل مشکلات برداشت. خادم جمهور، واژه را به عمل پیوند زد و سرانجام، در شب ولادت امام رئوف^(ع)، در راه خدمت، بال‌های پرواز خویش را در آسمان وزرقان گشود. راه او، «خدمت بی‌منت» بود و نامش، مترادف با «رئیس جمهور شهید» در تاریخ ایران، جاودانه ماند.

برخی از اصولی که باید برای درک حکومت امام زمان^(عج) بدانیم

حکومت مهدوی یک رؤیا نیست

سمانه رضوانی| آیا حکومت جهانی مهدوی فقط یک رؤیای شیرین است یا ریشه در باورهای روشن و محکمی دارد؟ برای اینکه کسی بتواند چنین حکومتی را بپذیرد، اول باید پاره‌ای اصول اساسی را باور داشته باشد. این اصول مانند شالوده‌ای هستند که بنای این اندیشه بزرگ روی آن ساخته می‌شود. از اعتقاد به خدا و خوبی ذات انسان گرفته تا اینکه اسلام دینی جهانی است یا دین از سیاست جدا نیست، همگی از آن پایه‌ها به‌شمار می‌روند.

گزارش

پنجشنبه‌های انتظار

ظهور مکی ای بعثت بعثت بعثت خلقیت

اسلام، قبیله‌ای نیست

بعضی فکر می‌کنند اسلام دینی از مردم عرب است، اما این یک اشتباه بزرگ است. یکی از پایه‌های حکومت جهانی مهدوی، جهانی بودن اسلام است. پیام اسلام برای همه انسان‌ها در هر نقطه از زمین، با هر زبان و رنگی، فرستاده شده است. اگر اسلام جهانی نبود، چگونه می‌توانست پایه‌گذار حکومتی در تمام کره زمین باشد؟ پس قبول این نکته که اسلام به همه مردم جهان تعلق دارد، شرط مهمی برای باور به حکومت مهدوی است.

باور به خدا؛ اولین شرط

اولین پله برای قبول حکومت مهدوی، اعتقاد به خداست. این حکومت، الهی است؛ یعنی ریشه در ایمان به خدایی دارد که جهان را آفریده است و مدیریت می‌کند. کسی که خدا را قبول ندارد و زندگی را فقط در همین دنیای مادی می‌بیند، نمی‌تواند از ته دل به چنین حکومتی ایمان بیاورد. بنابراین اولین گام برای رسیدن به این اندیشه، دور شدن از نگاه مادی‌گرایانه و پذیرش این اصل است که جهان، خالق و مدیری دانا دارد.

ذات انسان عدالت‌دوست است

آیا تا به حال شده است برای حق خودتان یا دیگران بجنگید؟ این حس عدالت خواهی، درون همه ما هست. حکومت مهدوی نیز بر پایه همین فطرت بنا شده است. درست است که تاریخ پر از ظلم و ستم است و قدرتمندان همیشه نگذاشته‌اند عدالت به خوبی اجرا شود. اما هرگز میل به عدالت و خوبی از دل انسان بیرون نرفته است. سرانجام، همین خواست درونی در تمام جهان به یک خواسته همگانی تبدیل می‌شود و زمینه را برای آمدن آن حکومت جهانی آماده می‌کند.

رهبری معصوم در نگاه شیعه

از نگاه مذهب شیعه، حاکم این حکومت جهانی، امام دوازدهم، حضرت مهدی^(عج) است که از هر گناه و خطایی درامان است. این ویژگی، ضمانت می‌کند که در آن حکومت خبری از ظلم، اشتباه یا سوءاستفاده از قدرت نباشد. گرچه دیگر مذاهب اسلامی ممکن است بر این شرط تأکید نکنند، اما در مکتب تشیع، اندیشه مهدویت با همین ویژگی یعنی «رهبری معصوم»، کامل‌ترین شکل خود را پیدا می‌کند و آرزوی رسیدن به عدالت کامل را برآورده می‌سازد.

حکومتی با مشروعیت الهی

حکومت مهدوی، حکومتی «ولایی» است. یعنی مشروعیت آن از طرف خداست. نه از روی زور و شمشیر، نه از راه ارث پدر به پسر و نه فقط به خاطر رأی مردم. منطق آن این است؛ هیچ‌کس بدون اجازه دیگران حق ندارد بر آن‌ها حاکم شود و معمولاً هم همه مردم، پای یک نفر را امضا نمی‌کنند. از سوی دیگر، خداوند که خالق انسان هاست، حق دارد برای آن‌ها رهبر تعیین کند. در حکومت مهدوی، هم خدا این رهبر را برگزیده و دارای مشروعیت الهی می‌داند و هم همه مردم، او را از صمیم قلب می‌پذیرند. این دو در کنار هم، محکم‌ترین پشتوانه برای یک حکومت است.

قبول اسلام به‌عنوان آخرین دین آسمانی

حکومت مهدوی، یک حکومت اسلامی است. برای اینکه کسی به تحقق این حکومت باور داشته باشد، باید اول اسلام را بپذیرد و باور کند که بعد از حضرت محمد^(ص)، پیامبر دیگری نمی‌آید و اسلام، آخرین و کامل‌ترین دین الهی است. به عبارت دیگر، بدون پذیرش اصل خاتمیت(آخرین پیامبر بودن حضرت محمد^(ص))، جایی برای انتظار منجی موعود اسلام، نخواهد بود.

دین را از سیاست جدا دانستن

برخی معتقدند دین فقط برای مسائل شخصی و اخلاقی است و ربطی به اداره کشور ندارد. در طول تاریخ خیلی‌ها می‌گفتند دین باید از سیاست جدا باشد. اما اسلام می‌گوید حکومت کردن، جزئی از دین است. قرآن کریم، هدف پیامبران را برپایی عدالت و قضاوت عادلانه در میان مردم معرفی کرده است. بسیاری از قوانین اسلام نیز بدون تشکیل حکومت قابل اجرا نیستند. پس اگر کسی باور دارد که دین باید از سیاست جدا باشد، طبیعتاً نمی‌تواند حکومتی جهانی به رهبری یک امام معصوم را بپذیرد.

امام زمان^(عج) را بشناس تا بتوانی خدا را بندگی کنی

واقعی بودن و آمادگی برای فرمان برداری از امام، معرفی امام زمان^(عج) به دیگران و تبعیت عملی در زندگی فردی و اجتماعی از ایشان، اشاره کرد. این امور از نشانه‌های وفاداری حقیقی به دعوت امام به‌شمار می‌روند. هر اندازه پیوند انسان با امام زنده‌تر و آگاهانه‌تر باشد، دین‌داری او از سرگردانی و پراکندگی، دورتر خواهد بود.

دین‌داری بی‌امام

روایات درباره نپذیرفتن دعوت امام، هشدارهای جدی داده‌اند. امام باقر^(ع) در حدیثی، در تبیین ضرورت پذیرفتن دعوت امام در دین‌داری انسان می‌فرماید: «كُلٌّ مِّنْ دَانِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَعْبادُهُ يُحِبُّهُ فَيُها نَفْسُهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنْ اللَّهِ، فَسَيُتَّخَذُ عُزْرٌ مَّقْبُولٌ وَهُوَ ضَالٌّ مُّضَيِّعٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ، وَمَنْ تَلَّهُ كَفَلَ شَأْنَهُ عَنِ رَأْيِهَا وَقَطِيعِهَا؛ هر که خود را در عبادت خداوند عزوجل به رنج و زحمت افکند، اما [برای خود] امامی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او پذیرفته نمی‌شود و گمراه و سرگشته است و خداوند از کارهای او نفرت دارد. او به گوسفندی می‌ماند که چوپان و گله‌خود را گم کرده است.» (الکافی، ج یک، ص ۳۲۴)

در هدایت خلق است. همه ائمه^(ع) در متون دینی «دعوت‌کنندگان به سوی خدا» معرفی شده‌اند، اما امام هر عصر، داعی حاضر و زنده‌ای است که پیوند مردم با حقیقت الهی از مسیر او می‌گذرد. در باور شیعه، زمین هرگز از حجت الهی خالی نیست. امام زمان^(عج) آخرین حجت خدا و درعین حال امام زنده و حاضر است، حضوری که اگرچه در پس پرده غیبت است، از حقیقت هدایت‌گری او نمی‌کاهد.

اجابت دعوت امام

قرآن کریم در آیه ۳۱ سوره احقاف می‌فرماید: «يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَاجْتَمِعُوا؛ ای قوم ما، دعوت‌کننده خدا را اجابت کنید و به او ایمان بیاورید!» لبیک گفتن به داعی خدا، یعنی پذیرفتن مسیر هدایت و تسلیم شدن در برابر حق. کسی که امام را داعی خدا می‌داند، باید دعوت او را در سبک زندگی، اخلاق و التزام دینی خویش منعکس سازد. در غیر این صورت، معرفت او هنوز به مرحله حقیقت نرسیده است. از مهم‌ترین جلوه‌های لبیک گفتن به داعی الله در عصر غیبت، می‌توان به قرائت زیارت آل یاسین، قرائت دعای عهد و تجدید پیمان روزانه با امام، منتظر

راهی به سوی خدا را آغاز زیارت آل یاسین آمده است؛ «اگر می‌خواهید به سوی خدا و به سوی ما توجه پیدا کنید، چنین بگویید.» برای توجه به خدا و اهل بیت^(ع) باید آگاهانه و با جهت‌گیری حرکت کرد. این توجه، به یک سبب و راهنما نیاز دارد و در معارف اهل بیت^(ع)، این راهنما امام و حجت الهی است. بنابراین توجه به امام زمان^(عج) در امتداد توجه به خداست. نه در برابر آن و این، یکی از نکات مهم درباره پیوند توحید و امامت در زیارت آل یاسین است.

داعی خدا

زیارت آل یاسین با سلامی آغاز می‌شود که از بلندترین تعابیر در مقام امام زمان^(عج) است؛ «السلام علیک یا داعی الله»؛ واژه «داعی» در لغت به معنای دعوت‌کننده است، اما در فرهنگ قرآن و روایات، معنایی بسیار گسترده‌تر دارد. داعی الهی کسی است که وجودش انسان را به سوی معرفت، بندگی و قرب الهی سوق می‌دهد. امام زمان^(عج) در چنین جایگاهی قرار دارد؛ یعنی اصل وجود او، خود دعوتی زنده به سوی خداوند است. از این منظر، سلام بر «داعی الله» در حقیقت اعتراف به نقش امام

درنگ